

جایگاه آموزش کارآفرینی در سرفصل‌های رشته زبان و ادبیات فارسی با تأکید بر رویکرد رفتاری

ابراهیم ظاهری عبدوند*

جهانگیر صفری**

چکیده

با توجه به نقش کارآفرینی در توسعه جوامع، آموزش کارآفرینی باید متناسب با نیازها در دانشگاه‌ها و همسو با ویژگی‌های هر گروه علمی باشد. هدف این پژوهش نیز ارزیابی جایگاه آموزش کارآفرینی در سرفصل‌های رشته زبان و ادبیات فارسی با تکیه بر رویکرد رفتاری و براساس روش توصیفی - تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تاکنون در رشته زبان و ادبیات فارسی، به مسئله کارآفرینی توجه نشده است؛ در حالی که در زمینه‌های مختلف مانند طراحی لباس براساس باورهای قومی، نام‌گزینی، قصه‌درمانی، گردشگری ادبی و تولید محتوا، ویرایش و آموزش و بازی‌های رایانه‌ای قابلیت کارآفرینی وجود دارد. در واقع وجود ضعف‌هایی در زمینه آموزش و ایجاد مهارت و تجربه، موجب شده است تا دانشجویان با وجود داشتن تحصیلات عالی، نتوانند در زمینه کارآفرینی موفق باشند. در سرفصل‌های دوره‌های مختلف این رشته، به مسئله کارآفرینی اصلاً توجهی نشده است. برای رفع این آسیب، پیشنهاد می‌شود با بازنگری در سرفصل‌ها، واحدهایی مناسب کارآفرینی در رشته زبان و ادبیات فارسی به برنامه آموزشی اضافه شود؛ حتی می‌توان با راه‌اندازی گرایش‌های جدید و به‌خصوص میان‌رشته‌ای، این مشکل را رفع کرد. همچنین دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، هیچ‌گونه تجربه و مهارتی در زمینه کارآفرینی در دانشگاه کسب نمی‌کنند که می‌توان با تشکیل هسته‌های کارآفرینی، برگزاری کارگاه‌ها، فرستادن دانشجویان به مراکز مختلف به عنوان کارآموز، شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای، مصاحبه با کارآفرینان، راه‌اندازی کسب و کارهای دانشجویی و کاوش‌های محیطی، در این زمینه مؤثر واقع شد.

کلید واژه‌ها

رشته زبان و ادبیات فارسی، سرفصل، کارآفرینی، آموزش، آسیب‌شناسی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهر کرد (zaheri1388@yahoo.com) (نویسنده مسئول).

** استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهر کرد (safari706@yahoo.com).

DOI: 10.30487/rwab.2019.36381

دریافت: ۹۷/۵/۱۶ پذیرش: ۹۸/۵/۷

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۴، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۷۶-۹۸

مقدمه

امروزه نیروی انسانی، نقش مهمی در توسعه جوامع دارد. «چنانچه جامعه‌ای از نظر نیروی انسانی متخصص غنی باشد، به دنبال آن، سایر امکانات توسعه نیز توسط نیروی انسانی به وجود می‌آید؛ ولی اگر از نظر نیروی انسانی متخصص، فقیر باشد، سایر امکانات مادی نمی‌تواند کمک زیادی به توسعه جامعه بنماید» (نظری، ۱۳۸۵: ۱۵۱). برای داشتن نیروی انسانی متخصص نیز به برنامه‌ریزی درست در زمینه برنامه آموزشی و به‌ویژه سرفصل‌ها نیاز است. برنامه‌ریزی آموزشی، به مفهوم نقشه کشیدن برای آینده، فرایندی است که طی آن، زمینه‌های لازم برای تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز جامعه فراهم می‌شود (ر.ک.: خلیلی شورینی، ۱۳۸۲: ۱۶). سرفصل نیز، «سند مکتوب چند صفحه‌ای است که باید تمام اطلاعات مفید درس را معرفی کند. در واقع سرفصل طرحی از فعالیت‌های آموزشی است که اهداف و مقاصد یک برنامه درسی و در مجموع برنامه‌ای را که یک استاد باید دنبال کند، به تصویر می‌کشد» (بهرام‌بیگی، ۱۳۹۱: ۴۵). در برنامه‌ریزی آموزشی و تهیه سرفصل‌ها، مراحل گوناگونی وجود دارد که هدف‌گذاری، اولین مرحله و از مهم‌ترین مراحل، به سبب پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و اشتغال است: «تعیین و انتخاب هدف، حساس‌ترین و به اعتباری، مشکل‌ترین مسئله برنامه‌ریزی آموزشی است؛ زیرا آموزش و پرورش، فعالیتی است که در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه منعکس می‌شود و بی‌گمان اثری غیرقابل برگشت برجای می‌گذارد» (خلیلی شورینی، ۱۳۸۱: ۳۹). می‌توان گفت تعیین اهداف درست در برنامه‌های آموزشی و سرفصل‌های دانشگاهی، تأثیر مهمی در توانمند کردن نیروی انسانی و اشتغال دارد. البته این اهداف و برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که با توجه به نیازهای جامعه بتوان آن‌ها را تغییر داد و از موضوعات مهم در برنامه‌ریزی درسی، اهمیت دادن به تجدیدنظر در برنامه‌های درسی و هماهنگ‌سازی ساختن محتوا با وضعیت در حال تغییر جامعه است (Sabar, 1994: 22).

از اهداف اصلی تأسیس دانشگاه‌ها، مسئله اشتغال، کارآفرینی و تربیت نیروی متخصص بوده است. «صنعتی شدن سریع جوامع، تحصیلات عالی را به دریچه‌ای برای ورود به مشاغل بهتر، درآمدهای بالاتر و منزلت اجتماعی برتر تبدیل کرده است. اگرچه امروزه شاید مدرک دانشگاهی، ارزش گذشته را ندارد، هنوز از لحاظ مالی و اشتغال و منزلت اجتماعی اهمیت شایانی دارد. بدیهی است کسانی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نسبت به کسانی که تحصیلات پایین‌تری دارند، عموماً درآمد سالانه بالاتری به دست می‌آورند» (کوئن، ۱۳۹۱: ۲۰۹-۲۱۰) که این امر، از طریق هدف‌گذاری درست دست‌یافتنی است.

البته امروزه در جوامع مختلف، به خصوص در ایران، دانشگاه‌ها نتوانسته‌اند آن‌گونه که باید افراد را با توجه به نیازهای جامعه و مسئله اشتغال تربیت کنند؛ چنان‌که بیکاری از مهم‌ترین مشکلات دانش‌آموختگان دانشگاهی - به ویژه در رشته‌های علوم انسانی - است؛ زیرا رشته‌های علوم انسانی تا حد زیادی وابسته به استخدام‌های دولتی‌اند و مهارت‌ها و آموزش‌های دانشجویان این رشته‌ها، کمتر اجازه می‌دهد در بخش‌های خصوصی و غیردولتی مشغول به کار شوند. براساس آمارهای موجود، نیمی از دانشجویان کشور در رشته‌های علوم انسانی مشغول به تحصیل هستند. این امر بیان‌کننده وضعیت دشوار در زمینه اشتغال‌یابی برای دانشجویان علوم انسانی است (ر.ک.: احمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳، به نقل از پورکاظمی، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

از جمله رشته‌های علوم انسانی که دانش‌آموختگان آن در زمینه اشتغال با مشکلات فراوانی مواجه هستند، رشته زبان و ادبیات فارسی است. هر سال تعداد زیادی دانشجو در سطح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های مختلف دولتی، آزاد و پیام نور، پذیرش می‌شوند و پس از اتمام تحصیل به منظور کسب کار وارد بازار کار می‌شوند که نتایج پژوهش‌ها نشان‌دهنده بیکاری بالا در میان فارغ‌التحصیلان این رشته است (ر.ک.: احمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱). از جمله علل بیکاری دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی و به ویژه رشته زبان و ادبیات فارسی را باید در شیوه آموزش، برنامه‌ریزی‌ها و به ویژه اهداف آموزشی جست‌وجو کرد. در حقیقت اهداف مشخص شده در سرفصل‌ها، مقصد و مسیر آینده دانشجویان و دانش‌آموختگان را مشخص می‌کند؛ بنابراین از جمله موانع مهم موفقیت دانش‌آموختگان در زمینه کاریابی و کارآفرینی، این است که اهداف مطرح شده در سرفصل‌های دانشگاهی، در این زمینه، دارای ضعف است. بر این اساس، هدف این پژوهش، ارزیابی سرفصل رشته زبان و ادبیات فارسی با تأکید بر مسئله اشتغال و کارآفرینی با تکیه بر رویکرد رفتاری است. در این جستار، ضمن بیان آسیب‌ها و ضعف‌های موجود، راهکارها و تغییرات لازم برای برطرف کردن این آسیب‌ها مطرح و برخی از زمینه‌های قابلیت کارآفرینی براساس رشته زبان و ادبیات فارسی واکاوی می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

۱. آموزش کارآفرینی چه جایگاهی در سرفصل‌های رشته زبان و ادبیات فارسی، به عنوان راهنمای برنامه آموزشی دارد؟

۲. آیا دانشجویان تجربه و مهارت‌های لازم را در زمینه کارآفرینی کسب می‌کنند و شیوه استفاده از دانش آموخته شده را در محیط کسب و کار می‌آموزند؟
۳. چه آسیب‌ها و ضعف‌هایی در سرفصل‌های رشته زبان و ادبیات فارسی در زمینه کارآفرینی و اشتغال وجود دارد و راهکارهای رفع این آسیب‌ها چیست؟
۴. در رشته زبان و ادبیات فارسی در چه زمینه‌هایی قابلیت کارآفرینی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

تاکنون درباره رشته زبان و ادبیات فارسی و مشکلات آن، چندین مقاله، هم‌اندیشی و همایش برگزار شده است؛ مانند هم‌اندیشی استادان زبان و ادبیات فارسی (۱۳۷۰ تا کنون)، چهار هم‌اندیشی دوسالانه از مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، هم‌اندیشی باید‌ها و نبایدها در رشته زبان و ادبیات فارسی (۱۳۸۶)، مقاله «موقعیت کنونی رشته زبان و ادبیات فارسی و راهکارهای تقویت آن» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸)، و مقاله «بررسی وضعیت گرایش‌های رشته زبان و ادبیات فارسی» (صفری و صراف، ۱۳۹۳)؛ اما در هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها، به نقد سرفصل رشته زبان و ادبیات فارسی با توجه به مسئله کارآفرینی و اشتغال پرداخته نشده است.

روش پژوهش

در این پژوهش سرفصل‌ها و گرایش‌های رشته زبان و ادبیات فارسی از سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمع‌آوری و برای تحلیل آن‌ها، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا، با توجه به دوره تحصیلات، اهداف بیان شده برای هر گرایش و رشته دسته‌بندی و سپس جایگاه آموزش کار و کارآفرینی در گرایش‌های مختلف ادبیات بررسی گردید. در ادامه، براساس یافته‌های به دست آمده، آسیب‌های سرفصل ادبیات در زمینه کارآفرینی و اشتغال، واکاوی و راهکارهایی برای رفع آن‌ها بیان شد، و در نهایت به قابلیت‌های کارآفرینی در این رشته توجه شد.

تعریف کارآفرینی و اهمیت آن

کارآفرینی فرایندی است که افراد با استفاده از توانایی‌ها و مهارت‌های خود، اشتغال ایجاد می‌کنند: «کارآفرینی، فرایندی است که فرد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاق و شناسایی

فرصت‌های جدید و با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب و کار و شرکت‌های نو، سازمان‌های جدید و نوآور و رشد یابنده نموده که با خطرپذیری توأم است و منجر به معرفی محصول یا خدمات جدیدی می‌گردد» (خانی‌جزنی، ۱۳۸۷: ۴۲). در حقیقت کارآفرینی فرایند خلق چیزهای نو با صرف تلاش و پذیرش خطرهای مالی، روحی و اجتماعی برای کسب منابع مالی، رضایت شغلی و استقلال است (Solomon et al., 2002: 73). کارآفرینی سبب ایجاد اشتغال و شکل‌گیری صنایع و کسب و کارهای نو می‌شود و بنابراین، نقش مهمی در توسعه اقتصادی جوامع معاصر دارد. «کارآفرینان در اجتماع، سبب پویایی و افزایش بهره‌وری شده و در سطح اجتماع ارزش کار را افزایش می‌دهند و روحیه سعی و تلاش در بدنه جامعه را بالا می‌برند. کارآفرینان سبب تشویق جامعه به کارهای خلاق و کارآفرین می‌شوند و همین امر، سبب رشد و بالندگی در اجتماع می‌شود. زمانی که کارآفرینی به عنوان یک شیوه زندگی توسط اکثریت افراد یک جامعه پذیرفته شود، آن جامعه بسیار سریع توسعه می‌یابد» (شاه‌حسینی، ۱۳۸۶: ۸۲). برای کارآفرین شدن، به آموزش کارآفرینی نیاز است. آموزش کارآفرینی نیز فرایند آشناسازی افراد با توانمندی خود برای شناسایی فرصت‌های تجاری، بینش، عزت نفس، دانش و مهارت‌های لازم برای اقدام در زمینه این توانایی‌هاست (Gibb, 2002: 247). امروزه آموزش کارآفرینی در حوزه دانشگاه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و باید با این آموزش‌ها، برای خیل عظیم دانش‌آموختگان اشتغال‌زایی کرد. «سالانه حدود چندین هزار نفر از دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیل می‌شوند و با توجه به نگرش دانشگاه‌های نظری نسبت به فارغ‌التحصیلان که آنان را فقط برای کارشناس در دولت تربیت می‌کنند، تنها ۲۰ درصد فارغ‌التحصیلان شانس ورود به بدنه دولت را خواهند داشت» (معنیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۳).

مبنای نظری پژوهش

در زمینه کارآفرینی رویکردهای مختلفی مانند رویکرد اقتصادی، رویکرد شخصیتی و رویکرد رفتاری وجود دارد. در رویکرد اقتصادی، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که جامعه چگونه ثروت را ایجاد و چگونه ثروت به دست آمده را میان اعضای خود توزیع می‌کند. در این رویکرد، کارآفرینی از سازوکارهای مهمی است که ایجاد و توزیع ثروت را تضمین می‌کند. در حقیقت کارکرد مهم کارآفرینی در رابطه با ایجاد و توزیع ثروت است (ر.ک.: احمدپور داریانی، ۱۳۸۳: ۶۸). در رویکرد شخصیتی، پژوهشگران، به این مسئله

می‌پردازند که کارآفرین چه ویژگی‌هایی دارد. کنجکاو، دوراندیش، علاقه‌مند به پول، بااراده، با پشتکار، خوش اخلاق، هوشیار برای به دست آوردن فرصت، پرانرژی، سالم، سخت‌کوش، جاه‌طلب، دارای اعتماد به نفس، نوآور، مشتاق برای قبول مسئولیت، از جمله ویژگی‌های برشمرده شده برای افراد کارآفرین در این رویکرد هستند (ر.ک.: ناندان، ۱۳۸۶: ۱۲). در رویکرد رفتاری، علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی، به ویژگی‌های دیگری نیز توجه شده است؛ مانند داشتن تجربه کاری، الگوی نقش، سن، جایگاه آموزشی، تحصیلات و نظام آموزشی. «رویکرد رفتاری بر فعالیت‌های کارآفرین تأکید دارد. در این دیدگاه، ویژگی‌های شخصیتی کارآفرین، تابع رفتار اوست و در پاسخ به این سؤال که کسب و کار جدید چگونه به وجود می‌آید؟ علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی که در رویکرد ویژگی‌ها مورد تأکید است، به عوامل محیطی و ویژگی‌های رفتاری فرد، همچون تجارب و سوابق شخصی و فردی (ویژگی‌های جمعیت‌شناختی) نیز توجه می‌شود» (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۸۵: ۷۱). از نظر معتقدان به این رویکرد، افرادی که در زمینه کاری قبلی خود، کارآفرینی را شروع می‌کنند، موفق‌تر هستند. همچنین کسانی که در بین خانواده خود، دوستان و محیط کاری افراد کارآفرین دارند، به سبب تشویق‌ها و دیگر محرک‌ها، احتمال بیشتری دارد که به فعالیت‌های کارآفرینانه سوق پیدا کنند. در زمینه سن گفته شده است که در هر سنی می‌توان فعالیت کارآفرینانه را شروع کرد. در زمینه جایگاه اجتماعی نیز این نظر وجود دارد که قرار نگرفتن فرد در جایگاه اجتماعی مورد نظرش، سبب می‌شود تا فرد به فعالیت‌های کارآفرینانه برانگیخته شود (ر.ک.: احمدپور داریانی و عزیز، ۱۳۸۳: ۵۲-۵۳). آموزش، نظام آموزشی و تحصیلات نیز در این زمینه نقش بسیار مؤثری دارد. برخلاف تصور اولیه، کارآفرینی امری ذاتی نیست، بلکه اصول آن قابل تدریس است و آموزش کارآفرینی می‌تواند تمایلات کارآفرینانه افراد را تغییر دهد (Peterman & Kennedy, 2003). پژوهشگران معتقدند کارآفرینی امری اکتسابی است و در این زمینه آموزش، تحصیلات و کسب مهارت بسیار مهم است. «مطالعات نشان می‌دهد شکست بسیاری از کسب و کارها به دلیل نبود مهارت و تخصص می‌باشد» (زالی و رضوی، ۱۳۸۷: ۵۳) و مهارت‌های لازم نیز بیشتر از طریق آموزش به دست می‌آید. «آموزش کارآفرینی، فرایندی نظام‌مند، آگاهانه و هدف‌گراست که طی آن، افراد غیرکارآفرین، ولی دارای توان بالقوه، به صورتی خلاق تربیت می‌شوند. در واقع این نوع آموزش فعالیت‌هایی به حساب می‌آید که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای راه‌اندازی و اداره کسب و

کار استفاده می‌شود و افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین را در پی خواهد داشت» (سعیدی مهرآبادی و مهدی، ۱۳۸۷: ۶۰؛ به نقل از ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵: ۱۶۰). بنابراین باید گفت تحصیلات و آموزش از ابزارهای لازم برای ایجاد فعالیت‌های کارآفرینانه است. «کارآفرینانی که هم تجربه دارند و هم آموزش دیده‌اند، پرسودترین فعالیت‌ها را هدایت می‌کنند» (آقای فیشانی و زارع‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۶۰). در این پژوهش، با تکیه بر رویکرد رفتاری و به ویژه بحث آموزش و جایگاه آموزش عالی در زمینه کارآفرینی، رشته زبان و ادبیات فارسی و سرفصل‌های آن نقد می‌شود.

جایگاه آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها

به طور سنتی وظیفه دانشگاه‌ها آموزش و پژوهش است؛ اما با تغییر و تحولاتی که در جامعه امروزی به وجود آمده، این وظیفه تغییر کرده است. به نظر پژوهشگران، دانشگاه‌ها برای این که به مثابه عاملان تغییر و نوآوری، چراغ هدایت توسعه جامعه را روشن نگه دارند، باید کارآفرینانه عمل کنند. در دانشگاه‌ها، دانشجویان علاوه بر کسب شایستگی‌های تخصصی، باید مهارت‌ها و رفتارهایی مانند مهارت حل مسئله، خلاقیت، تفکر انتقادی و برنامه‌ریزی را بیاموزند تا توانایی‌های کارآفرینانه خود را افزایش دهند (Bell, 2008). در واقع دانشگاه‌ها دو وظیفه را برعهده دارند: باید کارآفرینان آینده را آموزش دهند و نیز روحیه کارآفرینی را در دانشجویان گسترش دهند. همچنین خود دانشگاه نیز باید به شیوه کارآفرینانه عمل کند؛ مراکز رشد و تجاری، پارک‌های علم و فناوری و دیگر مراکز این چنین را سازماندهی و دانشجویان را در این سازمان‌ها دخیل کند و از این طریق، به دانشجویان فارغ‌التحصیل در راه‌اندازی کسب و کار کمک نماید (ر.ک.: یداللهی فارسی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۱۴-۶۱۶). بنابراین می‌توان گفت از مأموریت‌های مهم دانشگاه‌ها آموزش موضوع کارآفرینی است: «کارآفرینی و آموزش مهارت‌ها و قابلیت‌های مرتبط با آن از جمله حوزه‌هایی است که با توجه به سرعت شتابان پیشرفت‌های علمی، تحولات اجتماعی و نیازهای نوپدید ناشی از آن می‌تواند یکی از وظایف و مأموریت‌های اصلی مراکز آموزش عالی و به ویژه دانشگاه‌ها تلقی شود» (باقری و کیانی، ۱۳۹۵: ۴۳). همچنین دانشگاه می‌تواند با ایجاد فضای مناسب، این فرصت را در اختیار دانشجویان قرار دهد تا آنان بتوانند حداقل تجربه‌ها و مهارت‌ها را در زمینه کارآفرینی کسب کنند. گفتنی است که در سیاست‌های کلان کشور، به این امر توجه شده است و دانشگاه‌ها مکلف به اجرای آن

هستند؛ چنان‌که در سیاست‌های آموزشی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)، تقویت روحیه کار، ابتکار و کارآفرینی از اهداف مهم آموزش عالی برشمرده شده است (ر.ک.: نوروززاده و مقدسی، ۱۳۸۹: ۴۹) و در برنامه پنجم و ششم توسعه نیز علاوه بر کارآفرینی، به تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان از سوی دانشگاهیان (استادان)، حمایت از آن‌ها و تنظیم رابطه متقابل تحصیل و اشتغال تأکید شده است (ر.ک.: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۷؛ سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۶: ۱۰۵). اکنون نیز در بسیاری از دانشگاه‌های کشور، دانشکده‌های کارآفرینی برای آموزش دانشجویان ایجاد شده است و کارگاه‌های مختلف برای افزایش مهارت آنان برگزار می‌شود. در ادامه بحث، از این منظر به نقد رشته زبان و ادبیات فارسی و وضعیت آموزش کارآفرینی در این رشته پرداخته می‌شود.

جایگاه آموزش کارآفرینی در سرفصل‌های رشته زبان و ادبیات فارسی

هر کدام از رشته‌ها و گرایش‌های مختلفی که در دانشگاه تدریس می‌شود، برای پاسخ‌گویی به نیازهای موجود در جامعه طراحی شده است و برنامه‌ریزان اهدافی را در تصویب آن‌ها در نظر گرفته‌اند؛ اهدافی مانند گسترش مرزهای دانش، کسب صلاحیت برای پژوهش اصیل، آموزش تخصصی به منظور احاطه بر رشته تخصصی، تربیت نیروی انسانی متخصص برای دانشگاه‌ها و سازمان‌ها، حل مسائل جامعه با به کارگیری علوم، افزایش نوآوری در علوم و تحقیقات و نقد آثار. بنابراین هدف یک نظام آموزشی، برآوردن تقاضای اجتماعی از طریق آماده کردن نسل جوان برای تصدی مشاغل، آموزش آن‌ها برای زندگی در جامعه و انتقال مؤثر دانش‌ها و ارزش‌هاست (ر.ک.: حاجی حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۲۸؛ بهشتی و نیکویی، ۱۳۸۸: ۳۵۵). از این رو می‌توان گفت اشتغال و کارآفرینی، از اهداف مهم سرفصل‌های رشته‌های دانشگاهی است که بر این اساس، این موضوع در سرفصل رشته زبان و ادبیات فارسی در سطوح مختلف بررسی می‌شود.

جایگاه آموزش کارآفرینی در سرفصل دوره کارشناسی

در سطح کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی، در یک گرایش (زبان و ادبیات فارسی) دانشجو پذیرفته می‌شود. هدف از آموزش دانشجویان در این گرایش، چنان‌که در جدول ۱ آمده است، آشنا کردن آنان با آثار ادبی، آفرینش آثار ادبی و مسئله اشتغال است.

جدول ۱ اهداف تدریس در رشته زبان و ادبیات فارسی در سطح کارشناسی براساس مصوبه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

اهداف گرایش	رشته‌ها و گرایش‌های کارشناسی زبان و ادبیات فارسی
۱. آشنایی با ابعاد گوناگون زبان و ادب فارسی؛ ۲. کسب توانایی لازم برای آفرینش‌های ادبی و مهارت‌های تخصصی زبانی و ادبی؛ ۳. آمادگی برای ورود به نظام شغلی جامعه.	زبان و ادبیات فارسی
اشتغال: (۱) آموزش، ویراستار حرفه‌ای داستان‌نویسی، مشاور در طرح‌های پژوهشی؛ (۲) بازنویسی و بازآفرینی؛ (۳) نقد و تحلیل متون داستانی قدیم و جدید.	رشته ادبیات داستانی

در رشته ادبیات داستانی نیز مسئله اشتغال از اولویت‌های این رشته است؛ چنان‌که از دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته انتظار می‌رود بتوانند وظیفه آموزش مباحث نظری داستان‌نویسی را برعهده بگیرند، ویراستار حرفه‌ای در تکمیل و تکوین آثار داستانی باشند و در طرح‌های پژوهشی در زمینه ادبیات داستانی و به عنوان کارشناس ادبیات داستانی با فیلم‌نامه‌نویسان، نمایش‌نامه‌نویسان و منتقدان همکاری کنند. بر این اساس می‌توان گفت در سطح کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی و رشته ادبیات داستانی، به مسئله اشتغال توجه شده است؛ اما در رشته زبان و ادبیات فارسی مشخص نیست که دانشجو برای اشتغال در چه کارهایی تربیت می‌شود و قرار است نیازهای چه سازمان و نهادهایی را برطرف کند. همچنین در رشته ادبیات داستانی، با وجود این که به اهداف مشخصی در زمینه اشتغال و توانمندی‌هایی که دانش‌آموختگان این رشته باید کسب کنند، اشاره شده است، در عمل بیشتر تکیه بر کسب دانش و آموزه‌های علمی است تا این که به صورت تخصصی و مستقیم به آموزش دانشجویان براساس اهداف مذکور پرداخته شود. گفتنی است در این رشته، با نظر شورای گسترش، چند سالی است که دانشجو پذیرفته نمی‌شود.

جایگاه آموزش کارآفرینی در سرفصل دوره کارشناسی ارشد

در دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، تنوع گرایش‌ها بسیار گسترده‌تر است: گرایش‌های آموزش زبان فارسی به فارسی‌زبانان و غیر فارسی‌زبانان، ادبیات پایداری، ویرایش و نگارش، نقد ادبی، ادبیات معاصر، ادبیات تطبیقی فارسی و عربی، ادبیات عامیانه، کودک و

نوجوان و علوم اسلامی رشته زبان و ادبیات فارسی. در این مقطع تحصیلی به اهداف مختلف پیش گفته تقریباً توجه شده است. همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، هدف از تصویب برخی از گرایش‌های رشته زبان و ادبیات فارسی در سطح کارشناسی ارشد، پاسخ‌گویی به جنبه‌های تخصصی خود رشته ادبیات است؛ جنبه‌هایی مانند حفظ و جمع‌آوری آثار، بومی کردن نظریه‌ها، ایجاد مهارت در افراد برای نقد و تحلیل. گاهی نیز به نیازهای عمومی جامعه توجه شده است؛ از جمله نهادینه کردن مسائل مختلف مانند پایداری، ایجاد صلح و نوع دوستی در جامعه و پاسخ‌گویی به نیازهای سازمان‌های مختلف. در برخی از گرایش‌ها، مسئله اشتغال از مسائل محوری و در برخی دیگر از مسائل فرعی آن‌ها بوده است؛ چنان‌که در گرایش‌های آموزش زبان فارسی، هدف اصلی تعلیم افراد برای آموزش ذکر شده و در رشته‌هایی همچون ادبیات عامیانه، ویرایش و نگارش، ادبیات معاصر و ادبیات کودک و نوجوان، مسئله اشتغال جزو اهداف آن‌هاست؛ اما در برخی گرایش‌ها، مستقیماً در سرفصل به مسئله اشتغال توجه نشده است؛ مانند گرایش‌های محض، نقد و نظریه ادبی، ادبیات تطبیقی فارسی و عربی و علوم اسلامی رشته زبان و ادبیات فارسی. بر این اساس می‌توان گفت که در سطح کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی به صورت مستقیم و غیرمستقیم مسئله اشتغال از دغدغه‌های تصویب‌کنندگان رشته‌ها و گرایش‌ها بوده است.

جدول ۲ اهداف تدریس در رشته زبان و ادبیات فارسی در سطح کارشناسی ارشد براساس مصوبه وزارت علوم

اهداف گرایش	گرایش‌های کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
ایجاد مهارت‌های کافی در زمینه‌های مختلف ادبی و صاحب نظر و متخصص شدن در این زمینه‌ها.	زبان و ادبیات فارسی (محض)
۱. حفظ ادبیات عامه و جمع‌آوری این گنجینه غنی.	ادبیات عامیانه
۲. آشنایی نسل جوان با زبان و ادبیات شفاهی.	
۳. بومی کردن گرایش ادبیات عامه.	
۴. اشتغال: تربیت نیروی مورد نیاز برای تحقق اهداف فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بنیاد ایران‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی، صدا و سیما و سایر مراکز وزارتخانه‌ها و مراکز علمی، فرهنگی و اجتماعی.	
اشتغال: آموزش دانش‌آموختگان برای آموزش زبان فارسی.	آموزش زبان فارسی
۱. اشتغال: تربیت متخصصان برای خدمت در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخلی و خارج از کشور و دیگر سازمان‌ها.	آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان
۲. آموزش علمی زبان فارسی به بیگانگان.	
۳. پژوهش در برنامه‌ریزی‌های زبانی در ایران و دیگر اهداف پژوهشی.	

ادامه جدول ۲	
اهداف گرایش	گرایش‌های کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
	نظریه و نقد ادبی
۱. کمک به تحلیل متون براساس یافته‌های جدید؛	
۲. بومی سازی دانش نظریه و نقد ادبی؛	
۳. آموزش نظریه‌های ادبی و نقد تطبیقی؛	
۴. تقویت مطالعات میان‌رشته‌ای؛	
۵. کمک به آفرینش ادبی در زبان فارسی.	
مطالعه، تحقیق، بحث و بررسی علمی در دانشگاه‌ها و تبیین اصول و تحلیل متون آن و همچنین الگوسازی در این زمینه.	ادبیات پایداری
۱. روش درست سخن گفتن و روشن و رسا نوشتن.	ویرایش و نگارش
۲. اشتغال: ویراستاری.	
۱. تربیت نیروی انسانی برای پژوهش در ادبیات معاصر.	ادبیات معاصر
۲. شناخت ادبیات معاصر.	
۳. پرورش نیروهای متخصص برای تدریس در مراکز آموزشی.	
۱. تربیت نیروی متخصص، منتقد، پژوهشگر و صاحب‌نظر با هدف آفرینش آثاری با ارزش‌های والای ادبی و تربیتی و ارائه نظریه‌های بومی ادبیات کودک.	کودک و نوجوان
۲. اشتغال: کار در مجله‌های ادبیات کودک و نوجوان؛ کانون پرورش فکری کودک و نوجوان؛ صدا و سیما؛ آموزش و پرورش و دیگر مراکزی که به هر نحو با تدریس رشته زبان و ادبیات فارسی سر و کار دارند.	
۱. دسترسی به تازه‌ترین تحقیقات در این زمینه.	ادبیات تطبیقی فارسی و عربی
۲. انجام بررسی‌های جدید و ریشه‌ای در زمینه‌های ادبیات فارسی و عربی.	
۱. آماده کردن دانشجویان برای ورود به دوره دکتری.	علوم اسلامی رشته زبان و ادبیات فارسی
۲. تربیت پژوهشگران.	ادبیات فارسی
۳. اشتغال: تربیت هیئت علمی برای دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه.	

جایگاه آموزش کارآفرینی در سرفصل دوره دکتری

در سطح دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی پنج گرایش محض، عرفانی، غنایی، حماسی و آموزش به غیر فارسی‌زبانان وجود دارد که در گرایش محض، به مسائل مختلف ادبیات فارسی به صورت تخصصی و در گرایش‌های عرفانی، غنایی و حماسی به موضوع‌های تخصصی در هر گرایش پرداخته شده است. در گرایش آموزش به غیر فارسی‌زبانان در کنار آموزش و پژوهش‌های تخصصی به دیگر مهارت‌ها از جمله آموزش نیز توجه شده

است. از جمله اهداف اصلی تصویب گرایش‌های دوره دکتری، ایجاد مهارت کارآفرینی در دانشجویان و دانش‌آموختگان است (حاجی حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۳)؛ در حالی که در اهداف در نظر گرفته شده برای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی به این مهم توجه نشده و تنها به بالابردن دانش و آموزه‌های علمی افراد توجه شده است. اهداف تصویب گرایش‌های دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳ اهداف تدریس در رشته زبان و ادبیات فارسی در سطح دکتری براساس مصوبه وزارت علوم

اهداف گرایش	گرایش‌های دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی
محض	بررسی، نقد و تحلیل ابعاد مختلف آثار زبان فارسی.
حماسی	بررسی، نقد و تحلیل ابعاد مختلف آثار حماسی و اسطوره‌ای با تأکید بر شاهنامه.
غنائی	بررسی، نقد و تحلیل ابعاد مختلف آثار ادب غنائی.
عرفانی	بررسی، نقد و تحلیل ابعاد مختلف آثار ادب عرفانی.
زبان و ادبیات فارسی ویژه غیر فارسی‌زبانان	تأمین نیازهای متناسب با اهداف تحصیلی دانشجویان خارجی و ایجاد مهارت‌های لازم در آن‌ها.

بر این اساس می‌توان گفت هدف از تدریس در رشته زبان و ادبیات فارسی در سطح کارشناسی، آموزش و تخصص یافتن افراد در زمینه‌های مختلف ادبی و مهارت‌آموزی شغلی است. در سطح کارشناسی ارشد علاوه بر این دو زمینه، بر پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه نیز تمرکز شده است. در سطح دکتری، تمرکز اصلی بر تخصص یافتن افراد در زمینه‌های مختلف ادبی است و به دو هدف دیگر توجه نشده است. در مجموع می‌توان گفت در سرفصل‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی تنها به اشتغال توجه شده است؛ اما موضوع کارآفرینی جایگاهی در نظام آموزشی و این رشته ندارد.

آسیب‌شناسی جایگاه آموزش کارآفرینی و اشتغال در گرایش‌های رشته زبان و ادبیات فارسی همان‌گونه که بیان شد، از جمله اهداف تدریس در رشته زبان و ادبیات فارسی، مسئله اشتغال و آموزش افراد برای برعهده گرفتن مشاغلی در آینده است؛ اما در این زمینه و در راه تحقق این امر، مشکلات و آسیب‌های گوناگونی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها بررسی می‌شود:

۱. نداشتن واحد درسی متناسب با اهداف شغلی بیان شده در سرفصل‌ها. به نظر

می‌رسد اولین مشکل در سرفصل رشته زبان و ادبیات فارسی در تمام دوره‌های تحصیلی، این است که در سرفصل‌ها به شغل و اهمیت آن اشاره شده؛ اما در عمل هیچ واحد درسی برای یادگیری آن شغل و زمینه‌های مربوط به آن اختصاص داده نشده است. برای مثال از مهم‌ترین زمینه‌هایی که دانشجو می‌تواند در آینده براساس آن برای خود شغلی ایجاد کند، آفرینش ادبی است؛ اما دانشجو در دانشگاه هیچ آموزش خاصی در این زمینه نمی‌بیند، یا این که از اهداف تصویب رشته ادبیات کودک و نوجوان، آماده کردن افراد برای ارائه خدمات در مراکز مربوط به کودک است؛ اما دانشجویان این رشته در زمینه‌هایی مانند قصه‌گویی خلاق و حتی شیوه قصه‌گویی، واحد درسی نمی‌گذرانند. در رشته ادبیات داستانی نیز از دانشجو انتظار می‌رود که به یک ویراستار حرفه‌ای در زمینه ادبیات داستانی تبدیل شود؛ اما وی عملاً هیچ واحد درسی و آموزشی در این زمینه نمی‌گذراند.

۲. نامعلوم بودن اهداف شغلی مطرح شده در سرفصل‌ها. از جمله آسیب‌های بیان شده در اهداف برنامه‌های آموزشی، کلی، گنگ و مبهم بودن آنهاست (ر.ک.: فیوضات، ۱۳۸۱: ۱۲۹). در رشته زبان و ادبیات فارسی نیز جز مدرسی و ویراستاری، از دیگر مشاغلی که دانشجویان این رشته می‌توانند در آنها به اشتغال پردازند، به صورت مبهم نام برده شده است. در حقیقت به صورت جزئی و روشن، مشاغلی که دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی می‌توانند در آنها به کار مشغول شوند، مشخص نیست. این امر نشان می‌دهد که حتی خود طراحان این سرفصل‌ها شناخت روشنی از این موضوع یا توجهی به آن نداشته‌اند. آنان هر چند می‌دانستند از دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی می‌توان در نهادهای مختلف استفاده کرد، شاید به سبب نداشتن شناخت درست از نیازهای آن نهادها و سازمان‌ها، نتوانسته‌اند به صورت صریح اشاره کنند که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته زبان و ادبیات فارسی در سازمان‌ها و نهادهای نام‌برده چه کارهایی می‌توانند یا باید انجام دهند.

۳. نبود همخوانی بین نیازهای سازمان‌ها و نهادها با سرفصل رشته زبان و ادبیات فارسی. از دیگر آسیب‌های مسئله اشتغال در رشته زبان و ادبیات فارسی، نبود همخوانی بین دروس رشته زبان و ادبیات فارسی با نیازهای اداره‌ها، نهادها و سازمان‌هاست. در حقیقت در دانشگاه‌ها، دانشجویان برای رفع نیازهای اداره‌ها و سازمان‌ها آموزش نمی‌بینند؛ هر چند در سرفصل به این امر اشاره شده است. برای مثال در زمینه آموزش که مهم‌ترین حوزه کاری دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی در گرایش‌ها و دوره‌های مختلف است، دانشجو آموزش چندانی برای امر آموزش نمی‌بیند؛ چنان‌که افرادی که حتی در آموزش و

پرورش مشغول به کار می‌شوند، نیاز به گذراندن دوره‌های مختلف آموزشی دارند. البته در سرفصل دبیری این رشته، به این ضرورت توجه شده است اما دبیری این رشته در دانشگاه‌های سراسری دانشجو نمی‌پذیرد. به نظر می‌رسد که نیازهای نهادها و سازمان‌ها شناسایی نشده‌اند یا این که در انتخاب واحدهای درسی به آن نیازها توجه نشده است؛ بنابراین افراد نمی‌توانند آن گونه که باید با توانایی و آمادگی لازم وارد این نهادها و اداره‌ها بشوند یا اگر وارد شدند، براساس آموخته‌های دانشگاهی بتوانند نیازهای مؤسسه‌های مربوط را به درستی برطرف کنند. این امر از جمله عواملی است که سبب شده است تا در بسیاری از این اداره‌ها و سازمان‌ها برای اشتغال در پست‌های سازمانی مربوط از افرادی غیر از دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی استفاده شود؛ افرادی که خود به صورت عملی و تجربی، مهارت‌ها و مطالبی را متناسب با نیاز این مؤسسه‌ها آموخته‌اند. گفته شده است که در توسعه برنامه‌های درسی لازم است که کارفرمایان مشارکت داشته و دوره‌های دانشگاهی انعطاف‌پذیر باشند (ر.ک.: نظری، ۱۳۸۵: ۱۶۳). در تهیه سرفصل رشته زبان و ادبیات فارسی نیز لازم است با مسئولان نهادهای مورد نظر مشورت و متناسب با نیاز آنان، واحدهایی درسی لازم برای دانشجویان در نظر گرفته شود یا حداقل در واحدهای اختیاری، این انعطاف وجود داشته باشد که در دانشگاه‌ها متناسب با نیازهای مختلف جامعه تغییراتی ایجاد شود و حتی دانشجویان در اواخر دوران تحصیل در سازمان و نهاد مربوط به صورت کارآموزی فعالیت کنند.

۴. محدود بودن زمینه اشتغال دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی به کارهای دولتی. براساس سرفصل‌های گرایش‌های مختلف رشته زبان و ادبیات فارسی، مهم‌ترین زمینه‌هایی که دانش‌آموختگان این رشته می‌توانند در آن به اشتغال پردازند، عبارت‌اند از: تدریس در مدارس، دانشگاه‌ها و دیگر مراکز آموزشی، انجام کارهای پژوهشی در نهادهایی مانند فرهنگستان زبان و ادب فارسی و پرداختن به کارهای اداری و آفرینش‌های ادبی در مراکزی مانند صدا و سیما و مهد کودک‌ها. بنابراین باید گفت هرچند در سرفصل‌ها، به اشتغال در رشته زبان و ادبیات فارسی توجه شده، این اشتغال محدود به اداره‌ها و سازمان‌های دولتی است که این نهادها و اداره‌ها، امروزه، هم به دلیل تعداد زیاد دانش‌آموختگان و هم مسائل استخدامی، نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیاز دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی باشند. همچنین امروزه اکثر درآمدهای دولت در ایران، صرف پرداخت حقوق و دستمزد به کارکنان دولت - حدود دویلیون و سیصد هزار نفر بدون احتساب نیروهای مسلح - می‌شود (ر.ک.: معینان و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۹)؛ بنابراین لازم

است در نگرش افراد تغییراتی ایجاد شود تا بتوانند خود زمینه اشتغال‌زایی را ایجاد کنند. برای این کار، لازم است سرفصل رشته‌های دانشگاهی تغییر کند و دانشجویان به گونه‌ای تربیت شوند که بدانند: «چگونه باید شخصاً یک فعالیت اقتصادی را راه‌اندازی کنند؟ چگونه آن را گسترش دهند؟ چگونه دست به کارهای خلاق زده و تکنیک‌های خلاقیت را در خود به کار ببرند؟ چگونه کار خود را مدیریت کنند» (معنیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۳) تا برای اشتغال تنها به سازمان‌ها و نهادهای دولتی وابسته نباشند و علاوه بر اشتغال خود، برای افراد دیگر نیز اشتغال ایجاد کنند.

۵. توجه نکردن به مسئله کارآفرینی. از جمله ضرورت‌های قابل توجه در رشته زبان و ادبیات فارسی، مسئله کارآفرینی است. «نظام آموزشی در حوزه زبان و ادبیات، در کنار آموزش و اصلاح برنامه‌ها، باید به نیازهای کشور، ظرفیت‌های این رشته و بازار کار و کارآفرینی برای دانش‌آموختگان نیز توجهی درخور داشته باشد. ترسیم آینده‌ای روشن برای نسل جوان و علاقه‌مند به زبان و ادبیات فارسی، می‌تواند زمینه‌های رشد آنان را فراهم سازد. تعامل گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی با بازارهای کار و معرفی توان علمی این رشته، در واقع نیازهای آنان و جلب حمایت بخش خصوصی در کارآفرینی و ایجاد زمینه‌های معرفی دانش‌آموختگان به بخش‌های رسانه‌ای، پژوهشی و آموزشی می‌تواند قدم مهمی در این راه باشد» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۵۶)؛ با وجود این، در زمینه کارآفرینی هیچ‌گونه آموزشی به دانشجویان داده نمی‌شود و آنان هیچ‌شناختی از مسئله کارآفرینی ندارند. بر این اساس باید گفت دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی نمی‌توانند کاری را ایجاد کنند و خود مستقلاً در زمینه کارآفرینی مؤثر واقع شوند.

راهکارهایی برای رفع مشکلات در زمینه آموزش کارآفرینی در رشته زبان و ادبیات فارسی برای رفع مشکلات موجود در زمینه کارآفرینی در رشته زبان و ادبیات فارسی و ایجاد تجربه و مهارت لازم در دانشجویان پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

۱. بازنگری در سرفصل‌ها و ارائه واحدهای درسی جدید مرتبط با کارآفرینی (در زمینه آشنایی با مسائل مختلف کارآفرینی مانند تعریف کارآفرینی، نوآوری، کسب و کار، مدیریت، کار تیمی و برنامه‌ریزی شغلی، فرهنگ کارآفرینی، قابلیت‌های رشته زبان و ادبیات فارسی در زمینه کارآفرینی و...) یا تلفیق موضوع کارآفرینی با درس‌های دیگر و آموزش اصول تحلیل اقتصادی.

۲. استفاده از استادان آشنا با مسئله کارآفرینی در رشته زبان و ادبیات فارسی و حتی تربیت استادان مورد نیاز.
۳. بررسی نیازهای جامعه و ایجاد گرایش‌های جدید - به ویژه گرایش‌های میان‌رشته‌ای بین رشته زبان و ادبیات فارسی و دیگر رشته‌ها - برای رفع آن نیازها؛ چنان‌که در دانشگاه‌های نسل سوم به این مسئله توجه شده است: «نیازسنجی شایستگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز جامعه دانشگاهی رشته تحصیلی در تعامل با محیط و جامعه، برنامه‌ریزی درسی و آموزشی برای ایجاد شایستگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز، آموزش کارآفرینی و مهارت‌های مورد نیاز و ارزیابی اثربخشی آموزشی و بازنگری و بهبود» (مهدی، ۱۳۹۳: ۱۱۴).
۴. برگزاری کارگاه‌ها در زمینه کارآفرینی به ویژه آشنا کردن دانشجویان با کارهای انجام شده در زمینه کارآفرینی در ادبیات و ایجاد ارتباط برنامه‌ریزی شده بین کارآفرینان مجرب با دانشجویان.
۵. تشکیل انجمن کارآفرینی برای ترویج فرهنگ کارآفرینی.
۶. ایجاد هسته‌های کارآفرینی در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی برای افزایش سطح تجربه دانشجویان.
۷. فرستادن دانشجویان به اداره‌ها و سازمان‌های مختلف و ایجاد ارتباط با صنعت برای کسب تجربه (همان‌گونه که چنین فرصت‌هایی برای استادان در قالب فرصت مطالعاتی در نظر گرفته شده است).
۸. استفاده از روش‌های تجربی زیر برای آموزش دانشجویان: «طرح‌ریزی شغلی، راه‌اندازی کسب‌وکارهای دانشجویی، مشاوره با کارآفرینان، شبیه‌سازی‌های کامپیوتری، شبیه‌سازی‌های رفتاری، مصاحبه با کارآفرینان، کنکاش‌های محیطی، موقعیت‌های زنده (مستقیم) و استفاده از ویدیو و فیلم» (صفری و سمیع‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۸).
۹. هدایت دانشجویان به انجام کارهای کاربردی در جامعه و توأم بودن دروس نظری با کار عملی.

کارآفرینی و رشته زبان و ادبیات فارسی

کارآفرینی نه تنها بر فرهنگ یک جامعه تأثیر می‌گذارد، بلکه خود نیز در یک فرهنگ خاص بارور می‌شود. «نحوه شکل‌گیری و ثمربخشی کارآفرینی، روش‌ها و شیوه‌های

خاصی می‌خواهد که بر پایه باورها و ارزش‌های ویژه‌ای استوار شده است. مجموعه این روش‌ها و باورها را می‌توان یک فرهنگ تلقی نمود» (وحیدی و فلاح، ۱۳۸۶: ۱۰۹). عقاید اجتماعی، هنجارها، پاداش رفتارها، آرمان‌های فردی و ملی، مکاتب دینی و مؤلفه‌هایی مانند درک تغییر و کشف فرصت، فرهنگ مشارکت، فرهنگ خلاقیت، قبول مسئولیت و خطرپذیری، از جمله مؤلفه‌ها و عوامل فرهنگی مؤثر بر کارآفرینی هستند (ر.ک.: آقایی‌فیشانی و زارع‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۶۴-۲۶۲؛ سعیدی‌کیا، ۱۳۸۵: ۲۴۲). همچنین کارآفرینی در زمینه‌های مختلفی اتفاق می‌افتد که برخی از این فرصت‌ها عبارت‌اند از: «محصولات جدید؛ خدمات جدید؛ روش‌های تولید جدید؛ روش‌های جدید بازاریابی؛ روش‌های جدید اطلاع‌رسانی به مشتریان و ساختارهای جدید سازمانی» (موسوی بازرگانی، ۱۳۸۶: ۳۰).

رشته زبان و ادبیات فارسی می‌تواند در هر دو زمینه ۱) فراهم کردن بسترهای لازم برای ایجاد فرهنگ کارآفرینی و ۲) پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و راه‌اندازی کسب و کار مؤثر واقع شود. برای نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی در جامعه می‌توان از ادبیات استفاده کرد. بدین صورت که این مؤلفه‌ها را در قالب شعر و داستان و ساختارهای زبانی و ادبی در اختیار طیف‌های مختلف جامعه - به خصوص کودکان و نوجوانان - قرار داد و بدین صورت این فرهنگ را در جامعه نهادینه کرد و به صورت غیرمستقیم برای افرادی که در زمینه آفرینش ادبی فعالیت می‌کنند، زمینه‌های اشتغال ایجاد نمود و فرهنگ کارآفرینی را نیز به شیوه‌ای مناسب و مقبول گسترش داد و تبلیغ کرد. همچنین می‌توان با بررسی فرهنگ کار در آثار ادبی که نشان‌دهنده فرهنگ یک جامعه هستند - در قالب طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها - قوت و ضعف‌ها را شناخت و با تقویت قوت‌ها، کاستی‌ها را نیز برطرف کرد. در رشته زبان و ادبیات فارسی، در زمینه‌هایی مانند خدمات جدید، روش‌های اطلاع‌رسانی و حتی ارائه محصولات، موقعیت‌هایی وجود دارد که قابلیت کارآفرینی دارند؛ در این قسمت برای نمونه، تنها به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. نام‌گذاری از جمله زمینه‌هایی است که دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی می‌توانند در این زمینه فعالیت کنند. نام هم هویت افراد، نهادها، سازمان‌ها، شرکت‌ها و اشیاء مختلف را نشان می‌دهد و هم کارکرد توصیفی دارد و از طریق آن می‌توان به ماهیت شخص، نهاد یا شیء پی برد؛ بنابراین نام‌گذاری درست به ویژه در زمینه کسب و کار می‌تواند در جلب نظر مشتری بسیار تأثیرگذار باشد و در این زمینه می‌توان از توان دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی استفاده کرد. دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته

زبان و ادبیات فارسی با توجه به شناخت درست زبان فارسی و همچنین به سبب آشنایی با آثار غنی شعر و نثر فارسی، با تأسیس شرکت‌هایی در این زمینه، می‌توانند هم به نیازهای جامعه پاسخ بگویند و هم برای خود اشتغال ایجاد کنند.

۲. در زمینه بازاریابی و تبلیغات، دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی می‌توانند بسیار مؤثر واقع شوند. در زمینه بازاریابی، تسلط بر زبان و مهارت‌های زبانی بسیار مهم است و دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی با توجه به داشتن واحدهای درسی‌ای مانند دستور زبان فارسی و دانش‌های بلاغی - بیان، بدیع و معانی - می‌توانند بسیار مؤثر واقع شوند. بیشتر پیام‌های تبلیغاتی و بازرگانی نیز بر مبنای ارائه‌های ادبی و صورخیال ساخته می‌شوند: «بهره‌گیری از شگردهای زبانی و بلاغی در تبلیغات بازرگانی، امروزه به صورت شیوه‌های کارآمد و تأثیرگذار در این زمینه حضوری پررنگ دارد. این کارکردها، مخاطب را به هدف اصلی در تبلیغات که مهم‌ترین آن القای اندیشه و پیام است، رهنمون می‌سازد» (صالحی مازندرانی و زکی‌نژادیان، ۱۳۹۶: ۲۴۷). از آنجا که دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی بیش از دیگران با این ابزارهای زبانی آشنا هستند می‌توانند در این زمینه مؤثر واقع شوند و با ورود به این بخش، کسب و کاری برای خود راه‌اندازی کنند. کافی است در کنار یادگیری دانش‌های بلاغی و دستور زبان براساس متون، رویکردی متناسب با بازار کار نیز در نظر گرفته شود.

۳. گردشگری ادبی نیز از دیگر زمینه‌هایی است که می‌توان در دانشگاه‌ها برای آن برنامه‌ریزی خاصی در نظر گرفت؛ هرچند گردشگری ادبی در ایران با مشکلاتی مانند: «باور نداشتن نهادهای فرهنگی کشور به پتانسیل‌های گردشگری ادبی، ناکارآمدی نهادهای مسئول در حفاظت از میراث فرهنگ و ادب کشور، غفلت از به‌کاربردن ظرفیت افسانه‌ها و اسطوره‌های ملی در توسعه گردشگری فرهنگی، کم‌توجهی دولت به اهمیت میراث ادبی کشور برای توسعه بخش گردشگری، کم‌توجهی به میراث مشاهیر ادبی» (بیات و اسدی، ۱۳۹۶: ۹) مواجه است؛ با این حال می‌توان با رفع مشکلات موجود، زمینه را برای گردشگری ادبی فراهم کرد تا دانش‌آموختگان ادبی در این زمینه - به ویژه در زمینه ادبیات عامه که در کشور ایران از تنوع زیادی برخوردار است - مشغول به کار شوند.

۴. زمینه دیگری که دانش‌آموختگان این رشته می‌توانند در آن به کارآفرینی بپردازند، ساختن عروسک‌های قصه‌گو است. می‌توان با ترکیبی بین واحدهای درسی رشته زبان و ادبیات فارسی با رشته‌های دیگر مانند رشته‌های عروسک‌سازی و رایانه اقدام به

کار آفرینی کرد و عروسک‌های قصه‌گویی طراحی کرد - با انتخاب لباس‌های محلی و قصه‌های عامیانه - که هم از طریق آن‌ها ارزش‌های فرهنگی ایرانی، اسلامی و بومی در نسل‌های آینده نهادینه شود و هم برای عده‌ای به‌خصوص دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی کار ایجاد کرد.

۵. همچنین دانشجویان و دانش‌آموختگان خلاق رشته زبان و ادبیات فارسی می‌توانند با شناسایی نیازهای مؤسساتی مانند صدا و سیما و مهد کودک‌ها، متن‌های خلاقانه‌ای به صورت نثر و یا شعر ایجاد کنند و در اختیار این نهادها و سازمان‌ها قرار دهند. ۶. قصه و شعر درمانی از روش‌هایی است که امروزه روان‌شناسان برای درمان اختلالات روانی از آن استفاده می‌کنند. دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی می‌توانند در زمینه خلق چنین متونی یا انتخاب متن‌های مناسب برای این کار، در این زمینه با روان‌شناسان همکاری کنند.

۷. در زمینه روان‌شناسی صنعتی نیز می‌توان از رشته زبان و ادبیات فارسی و دانش‌آموختگان آن استفاده کرد. از جمله اهداف روان‌شناسی صنعتی بالا بردن بهره‌وری در محیط کار، ایجاد وضعیت مناسب فیزیکی و ذهنی در کارکنان، آموزش و کاهش استرس است که ادبیات - به‌خصوص رشته ادبیات عامه (شعرهای کار در ادبیات عامه) - می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد؛ چنان‌که در گذشته از این ظرفیت استفاده می‌شده است، اکنون نیز می‌توان با استفاده از مطالعات علمی در رشته روان‌شناسی صنعتی از این ظرفیت استفاده کرد. ۸. تولید محتوا، درست‌نویسی و درست‌گویی، از جمله نیازهای رسانه‌هاست که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته زبان و ادبیات فارسی می‌توانند به آن ورود کنند. پرداختن به تصحیح نسخ خطی، ویراستاری، ادبیات و فضای مجازی، خدمات اداری و آموزش، از دیگر زمینه‌هایی است که می‌توان در آن‌ها فرصت شغلی ایجاد کرد.

۹. همچنین دانش‌آموختگان ادبیات به‌خصوص رشته ادبیات عامه می‌توانند در زمینه طراحی لباس، به طراحان مد و لباس کمک کنند؛ زیرا آنان با فرهنگ و باورهای اقوام مختلف در این زمینه آشنا هستند و در طراحی لباس می‌توانند یاری‌گران خوبی باشند. در زمینه جذب گردشگر در زمینه غذا، فعالان این بخش از صنعت باید بدانند که پشت تهیه هر غذایی داستانی است که با استفاده از آن هم قادر به جذب گردشگر بیشتری خواهند بود و هم مخاطبان خود را با جزئیات بیشتری از فرهنگی که با آن روبه‌رو می‌شوند، مواجه خواهند کرد. علاوه بر این از دیگر قابلیت‌های این رشته، استفاده از شخصیت‌ها و قهرمانان

داستان‌های عامیانه در بازی‌های رایانه‌ای است که موجب پیوند فرهنگی مخاطب امروز با گذشته نیز می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۷).

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه دانشگاه‌ها برای این که بتوانند نقش مهمی در تغییرات جوامع داشته باشند، باید کارآفرینانه عمل کنند و بتوانند ضمن آموزش افراد، با ایجاد کسب‌وکارها، مهارت و تجربه را در دانشجویان افزایش دهند. در اسناد توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (سند چهارم، پنجم و ششم) نیز به جایگاه آموزش کارآفرینی، ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان و حمایت از کارآفرینان دانشگاهی توجه شده است. با توجه به این امر، در این پژوهش به بررسی جایگاه آموزش کارآفرینی در رشته زبان و ادبیات فارسی با نقد سرفصل‌های این رشته پرداخته شد که نتایج پژوهش نشان می‌دهد با وجود اهمیت آموزش، نظام آموزشی و تجربه در ایجاد کارآفرینی، چنان که در رویکرد رفتاری بر آن‌ها تأکید شده است، در سرفصل‌های رشته زبان و ادبیات فارسی، به این مسائل توجه نشده است. در واقع دانشجویان این رشته، ضمن داشتن تحصیلات، به دلیل نداشتن تجربه، مهارت و آموزش لازم نمی‌توانند به صورت مستقل کسب و کار جدیدی برای خود راه‌اندازی کنند. برای رفع مشکل آموزش می‌توان سرفصل‌های رشته زبان و ادبیات فارسی را بازبینی کرد و برای آموزش دانشجویان، واحدهای درسی مرتبط با کارآفرینی را در برنامه‌های آموزشی آنان گنجانند. همچنین می‌توان با ایجاد گرایش‌های میان‌رشته‌ای بین ادبیات و دیگر علوم با هدف کارآفرینی، این مشکل را برطرف کرد. در زمینه کسب تجربه و مهارت می‌توان با راه‌اندازی هسته‌های کارآفرینی، تشکیل انجمن کارآفرینی، ایجاد ارتباط بین کارآفرینان مجرب با دانشجویان، ایجاد کارگاه‌ها، فرستادن دانشجویان به صورت کارآموز یا فرصت مطالعاتی به سازمان‌ها و نهادها، طرح‌ریزی شغلی، راه‌اندازی کسب‌وکارهای دانشجویی، کاوش‌های محیطی و استفاده از ویدئو و فیلم، ضمن آموزش، تجربه لازم را در آنان ایجاد نمود.

در رشته زبان و ادبیات فارسی، در زمینه‌های خدمات جدید، روش‌های اطلاع‌رسانی و حتی ارائه محصولات، موقعیت‌هایی وجود دارد که قابلیت کارآفرینی دارند؛ موقعیت‌هایی همچون نام‌گزینی برای شرکت‌ها، مؤسسه‌ها، و مغازه‌ها استفاده از ادبیات به‌ویژه ادبیات عامه برای طراحی لباس، استفاده از قصه‌ها و غذاها برای موضوع گردشگری،

قصه‌درمانی و استفاده از شعر کار در زمینه روان‌شناسی صنعتی کارگران و کارمندان برای بالا بردن بهره‌وری، گردشگری ادبی، آفرینش خلاق و تولید محتوا، عروسک‌های قصه‌گو، تبلیغات و ساختن پیام‌های بازرگانی، ویراستاری و تصحیح نسخ و میراث مکتوب. گفتنی است از عوامل مؤثر در ایجاد روحیه کارآفرینی، ایجاد فرهنگ آن است که برای ایجاد این روحیه و فرهنگ می‌توان از آثار ادبی نیز استفاده کرد. با خلق آثار ادبی در قالب‌های مختلف می‌توان این فرهنگ را از دوران کودکی در افراد جامعه نهادینه کرد. همچنین برای پی بردن به وضعیت فرهنگ کارآفرینی در جامعه می‌توان آثار ادبی را - که منعکس‌کننده فرهنگ ایرانی از گذشته تاکنون هستند - واکاوی کرد و با شناخت فرهنگ کارآفرینی، قوت‌ها را تقویت و ضعف‌ها را برطرف کرد.

منابع

- آقایی فیثانی، تیمور و محمود زارع‌نیا (۱۳۹۰). کتاب جامع کارآفرینی و کسب و کار، تهران: کتاب طلایی جامع.
- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۳). کارآفرینی: تعاریف، نظریه‌ها، الگوها، تهران: پردیس.
- احمدپور داریانی، محمود و محمد عزیزی (۱۳۸۳). کارآفرینی، تهران: محراب قلم.
- احمدپور داریانی، محمود و محمد مقیمی (۱۳۸۵). مبانی کارآفرینی، تهران: فراندیش.
- احمدی، سیروس و همکاران (۱۳۹۴). «ارزیابی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانشگاه یاسوج)»، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال هفتم، شماره چهارم، ص ۱-۲۰.
- باقری، مسلم و مهرداد کیانی (۱۳۹۵). «شناسایی جایگاه دانشگاه در آموزش و ارتقای قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان براساس رویکرد غربالگری فازی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲، شماره ۴، ص ۴۳-۶۷.
- بهرام بیگی، مهری (۱۳۹۱). «ویژگی‌های مطلوب در تدوین سرفصل درسی دانشگاهی با نقد بر سرفصل‌های درسی رشته زبان فرانسه»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۶، ص ۴۴-۵۸.
- بهشتی، سعید و روشنگر نیکویی (۱۳۸۸). دیدگاه‌های کیفی و اجتماعی در برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بیات، ناصر و علی‌رضا اسدی (۱۳۹۶). «چالش‌ها و رهیافت‌های توسعه گردشگری ادبی در ایران»، جامعه‌پژوهشی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره اول، ص ۱-۲۲.
- حاجی حیدری، فرزانه و همکاران (۱۳۹۴). «مقایسه رسالت‌ها و اهداف دوره‌های دکتری تخصصی در ایران و برخی از کشورهای جهان»، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال هفتم، شماره چهارم، ص ۱۰۷-۱۴۰.
- خانی جزنی، جمال (۱۳۸۷). اصول و مبانی فرهنگ کارآفرینی، تهران: مهرراوش.

- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۸۱). *مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی*، تهران: انتشارات آن.
- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۸۲). *اصول و مبانی برنامه‌ریزی آموزشی*، تهران: اصول و مبانی برنامه‌ریزی آموزشی.
- ذبیحی، محمدرضا و علیرضا مقدسی (۱۳۸۵). *کارآفرینی از تئوری تا عمل*، مشهد: نشر جهان فردا.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). «موقعیت کنونی رشته زبان و ادبیات فارسی و راهکارهای تقویت آن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دهم، شماره ۲، ص ۴۷-۷۳.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۷). «نگذاریم گنجینه ادبیات عامه به باد رود»، *سایت تابناک*، ۱۵ دی‌ماه.
- زالی، محمدرضا و مصطفی رضوی (۱۳۸۷). *پژوهشی در زمینه: موانع توسعه کارآفرینی در ایران*، تهران: دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۶). *قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور*، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۵). *اصول و مبانی کارآفرینی*، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات کیا.
- سعیدی مهرآباد، محمد و محمد مهدی مهدی (۱۳۸۷). «تأثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه کارآفرینانه (مطالعه موردی: آموزش‌های کارآفرینی وزارت کار و امور اجتماعی)»، *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، سال اول، شماره دوم، ص ۷۳-۵۷.
- شاه‌حسینی، علی (۱۳۸۶). *کارآفرینی*، تهران: آبیژ.
- صالحی مازندرانی، محمدرضا و سیدمحسن زکی‌نژادیان (۱۳۹۶). «نقش کارکردهای بلاغی و زبانی در تبلیغات بازرگانی»، *مطالعات زبانی و بلاغی*، سال هشتم، شماره ۱۶، ص ۲۲۳-۲۵۰.
- صفری، سعید و مهدی سمیع‌زاده (۱۳۹۱). «نیازسنجی آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی»، *فناوری آموزش*، سال هفتم، شماره ۱، ص ۶۵-۷۹.
- صفری، جهانگیر و کارمین صراف (۱۳۹۳). «بررسی وضعیت گرایش‌های رشته زبان و ادبیات فارسی»، *نخستین همایش آموزش زبان فارسی*، دوره ۱، ص ۳۷۷-۳۸۸.
- فیوضات، یحیی (۱۳۸۱). *مبانی برنامه‌ریزی آموزشی*، تهران: مؤسسه نشر و پراش.
- کوئن، بروس (۱۳۹۱). *مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل*، تهران: سمت.
- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۸۹). *مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران*.
- معنیان داود و همکاران (۱۳۸۸). *مبانی کارآفرینی*، تهران: سفیر اردهال.
- معنیان، داود و همکاران (۱۳۸۷). *کارآفرینی*، تهران: سفیر اردهال.
- موسوی بازرگانی، جلال (۱۳۸۶). *مؤلفه‌های کارآفرینی*، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مهدی، رضا (۱۳۹۳). «جایگاه مهارت‌آموزی در دانشگاه‌های نسل سوم»، *مهارت‌آموزی*، دوره ۴، شماره ۱۴، ص ۱۰۳-۱۱۷.
- ناندان، اچ. (۱۳۸۶). *مبانی کارآفرینی*، ترجمه اعظم شجاع صفت و عاطفه واثقی، تهران: نشر جهان فردا.
- نظری، مرتضی (۱۳۸۵). *آموزش و پرورش و توسعه انسانی*، تهران: سپیده تابان.

نوروززاده، رضا و جواد مقدسی (۱۳۸۹). «سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی در ایران با تأکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، نامه آموزش عالی، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۳۹-۶۲.
 وحیدی، جواد و نعمت‌الله فلاح (۱۳۸۶). کارآفرینی، تهران: حفیظ.
 یداله‌ی فارسی، جهانگیر و همکاران (۱۳۸۸). دانشنامه کارآفرینی، جلد اول، تهران: بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

Bell, Joseph R. (2008). "Utilization of problem-based learning in an entrepreneurship business planning course", *Journal of Entrepreneurship*, pp. 53-61.

Gibb, A. (2002). "In pursuit of a new 'enterprise' and 'entrepreneurship' paradigm for learning: creative destruction, new values, new ways of doing things and new combinations of knowledge", *International Journal of Management Reviews*, 4 (3): 233-269.

Peterman, N. & J. Kennedy, (2003). "Enterprise education: Influencing students' perceptions of entrepreneurship", *Entrepreneurship Theory and Practice*, 28(2): 129-144.

Sabar, N. (1994). Curriculum Development at School Level, In Torsten Husen and Thomas N. Postlethwaite (Eds.), *The International Encyclopedia of Education*, 2nd ed., New York: Pergamoon, pp. 1267-1272.

Solomon, G. T., Duffy, S. & A. Tarabishy (2002). "The state of entrepreneurship education in the united states: A nationwide survey and analysis", *International Journal of Entrepreneurship Education*, 1(1): 65-86.

Archive